تماشاخانه

نگاهی به نمایش شب دشنه‌های بلند

فرامتنی یک نمایش‌نامه

جهانگیر کوثری

● آلبرتو موراویا، نویسنده بزرگ ایتالیایی، می‌گوید: باید واقعیت و قشرهای جدید جامعه را پذیرفت، آنها زبان روشن‌تری دارند، نویسندگان شجاع‌تری دارند. ماهیت کارشان استناد به حقایق است. خلاقیت تازه که بوی بهار می‌دهد، رمان‌ها، نمایش‌نامه‌ها و فیلم‌نامه‌های آنها نو و بدیع است و اصالت خود را نیز با خود حمل می‌کنند. تراژدی، طنز و درام‌های ناب حتی اگر درباره زوال یک دوره و یک گروه باشد!

«شب دشنه‌های بلند» از آن جنس است، علی شمس از آن جمله است. جهش بلند در نمایش‌نامه‌نویسی، نوآوری در میزانسن‌ها و اجرا. دوسویه تراژدی و کمدی. او نمایش خود را در دهه ۵۰ مهر می‌زند. دهه پرتشنج اجتماعی، وحشت از واقعیت اجتماعی و رهیافت‌های شبه‌روشنفکرانه گروهی تئاتری و حقیقت‌های عریانی که دیده نمی‌شد. مرگ یزدگرد، روایت‌های متفاوت از شاه‌کشی‌های بیضایی به نمایش «شب دشنه‌های بلند» می‌آید. متن که محور نمایش‌نامه است و بقیه عوامل به گرد آن می‌آیند، حتی صحنه که با حروف فارسی چیده شده است، حتی تختی که خوش‌کوش روی آن بخش اول را بازی می‌کند، نشانه یک حرف فارسی است، با بازی محکم و قوی سام کبودوند.

متن در دفاع از نوآوری و سنت‌شکنی «مرگ یزدگرد» فراتر می‌رود؛ به این بخش از دیالوگ‌های دعای دسته‌جمعی بازیگران مرگ یزدگرد توجه کنیم.

باشد که هر که این فسانه می‌خواهد
از هزار نیرنگ جهان برهد.
در پهنه آزمایش گیتی سربلند برآید
دست مهر که دراز کند دشنه‌ای در برابر نشود.
روزی نرسد که نداند دوستش که و دشمنش کیست
آمرزش بخواهید بر گوینده و شنونده،
برای گردآورنده و نویسنده که روزگار بر سر این کار گذاشت
بگویید چنین باد و چنین‌تر باد!

***

بخش اول نمایش‌نامه شب دشنه‌های بلند در سال ۴۹ اتفاق می‌افتد، حلول علی شمس در جسم گلاره خواهر مجرد خوش‌کوش، نمایش‌نامه‌نویس گمنامی که ناشناس و سرخورده است و موجبات پیدایی یک متن را پیگیری می‌کند و سرانجام در تلفیق زمان در تاریخ متفاوت و از بین نمایش‌نامه‌های رقص روی لیوان‌ها، یک دقیقه سکوت، پچپچه‌های پشت خط نبرد و مرگ یزدگرد که در سال ۱۳۴۹ هنوز نوشته نشده است، مرگ یزدگرد را انتخاب و در عوض نمایش خود را به علی شمس می‌دهد تا در بخش دوم نمایش شب دشنه‌های بلند شاهد آن باشیم. قصه‌ای آمده از داستان‌های دکامرون که یک زوج روستایی جوان با مردی برخورد می‌کنند که توانایی آن را دارد که انسان را به خر تبدیل کند. دو بخش شب دشنه‌های بلند که در یکدیگر فرونشسته‌اند، دو شکل متفاوت از گونه تئاتری را بیان می‌کنند. دهه ۴۰ نمایش‌نامه‌نویسی ایران و کارگاه نمایش و شبه‌روشنفکران تئاتری و ظهور بهرام بیضایی در نمایش‌نامه‌نویسی به‌طور جدی و بخش دوم حال‌وهوای قرن چهاردهم جووانی بوکاچیو، نویسنده دکامرون را زنده می‌کند. بازگویی شخصیت‌های هفت زن و سه مرد بوکاچیو با دو مرد و یک زن صورت می‌گیرد. تغییر شخصیت‌ها، شعبده‌بازی، ریشخندگرفتن، شهوت، طمع کشیش‌ها و برخورد طبقات مختلف آدم‌های جامعه بازرگانان و اشراف. این بخش را علی شمس با وجود سه شخصیت با رنگ‌آمیزی لباس، صحنه، اشیا به بهترین شکل باورپذیر می‌کند. علی شمس از برخوردهای این بخش خیلی سریع عبور می‌کند؛ اما بازی هر سه بازیگر در شخصیت‌های خود ما را به معنای درونی آن نزدیک می‌کند. رامین سیاردشتی، فرزین محدث و مارال فرجاد استثنائی بودند. مرضیه وفامهر و سام کبودوند نیز در بخش اول ما را به دنیای تئاتر دهه ۵۰ می‌برند، با بازی‌های نزدیک و یکدست. علی شمس، نویسنده متن و کارگردان، از زمانه خودش در تئاتر پیش است و راه خود را می‌رود. شاید تماشاگر ما هنوز به این هم‌زیستی متنی عادت نداشته باشد، اما دیدگاه رادیکال شمس در نقطه‌ای از تاریخ تئاتر ما نتیجه خواهد داد.

روی خط خبر

سخنگوی شورای صنفی نمایش خبر داد

سینماها شنبه باز هستند

● **گروه هنر:** بر اساس اعلام سخنگوی شورای صنفی نمایش، سینماها شنبه باز هستند. غلامرضا فرجی در پاسخ به اینکه آیا با توجه به برگزاری مراسم تحلیف ریاست‌جمهوری در روز شنبه و تعطیلی مراکز دولتی، آیا سینماها هم تعطیل خواهند بود یا خیر، گفت: سینماها شنبه طبق سانس‌های اعلام‌شده، نمایش فیلم خواهند داشت و تصمیمی مبنی‌بر تعطیلی سالن‌های سینما در میان نیست.

عکس: مهر

اهالی موسیقی خواستار جبران مادی لغو کنسرت‌ها شدند

نامه به رئیس‌جمهور

گروه هنر: اهالی موسیقی در گردهمایی‌شان با تاکید بر جبران‌ناپذیری خسارات معنوی ناشی از لغو کنسرت‌ها، تقاضامند جبران خسارت مادی چنین اتفاقاتی شدند.

گردهمایی اهالی موسیقی در اعتراض به لغو کنسرت‌ها، عصر روز چهارشنبه، ۱۱ مرداد در خانه موسیقی برگزار شد. در ابتدای این گردهمایی محمود سراجی (تهیه‌کننده موسیقی) پشت تریبون رفت و گفت: «امروز دورهم جمع شده‌ایم تا این حرکت نقطه آغازی برای حمایت از فعالیت‌های هنرمندان زحمتکش موسیقی باشد».

حمیدرضا نوربخش (مدیرعامل خانه موسیقی) هم با قدردانی از حضور هنرمندان در این گردهمایی گفت: ما در سال ۹۴ کمپینی را درباره لغو کنسرت‌ها تشکیل دادیم و در پی آن خانه موسیقی به نمایندگی از هنرمندان نامه‌های اعتراضی مختلفی را به مراجع ذی‌ربط ارسال کرد. در آن زمان جناب آقای رئیسی به‌عنوان دادستان کل کشور پس از دریافت نامه ما، دستور داد جلسه مشترکی با نماینده دادستان کل کشور داشته باشیم. اتفاقا در همان دوران بود که مراتب ابراز تأسف ایشان برای این موضوع اعلام و قرار بر این شد که دادستانی‌های کل کشور در جهت برگزاری کنسرت‌ها با ما همکاری داشته باشند و خوشبختانه در سال گذشته هم پیرو همین پیگیری سال ناآرامی نداشتیم و همکاری خوبی در این زمینه شد.

تقی ضرابی (عضو هیئت‌مدیره خانه موسیقی و رئیس انجمن موسیقی تهران) پس از سخنرانی نوربخش پشت تریبون قرار گرفت. ضرابی ضمن قرائت بخش‌هایی از اندیشه‌های امام خمینی (ره) در حوزه هنر و بیان نقطه‌نظرات بنیان‌گذار انقلاب اسلامی در حوزه کم‌توجهی به فرهنگ و هنر ایرانی گفت: برخی از مسئولان خواسته یا ناخواسته با جدیت شریک عوامل بیگانه‌ای هستند که در تهاجم فرهنگی مشغول تضعیف موسیقی اصیل و عرفانی این سرزمین هستند؛ تا جایی که مداحان و قاریان از خرده‌فرهنگ‌های بیگانه استفاده می‌کنند. پس اقتدار فرهنگی چه شد و چگونه می‌توان سکوت کرد؟!

بعد از صحبت‌های نوربخش و ضرابی، نامه اعتراضی هنرمندان موسیقی خطاب به رئیس‌جمهوری قرائت شد. در بخش‌هایی از این نامه که خطاب به دکتر روحانی (رئیس‌جمهور) نوشته شده، آمده است: آقای دکتر روحانی شما از بدو قبول مسئولیت خطیر ریاست‌جمهوری خوشبختانه از حقوق شهروندی سخن به میان آوردید و از لزوم بهره‌مندی و دفاع تمامی شهروندان از حقوق حقه خودشان صحبت کردید... طرح آن مسئله دلگرمی و امیدواری بسیاری به‌ویژه در بین فعالان حوزه موسیقی پدید آورد. حال سؤال اینجاست: آیا لغو کنسرت‌های قانونی مصداق بارز ضایع‌کردن حقوق شهروندی هنرمندان نیست؟ هنرمندان و اعضای خانه موسیقی خواسته‌های به‌حق خود را به این شرح اعلام می‌دارد:

۱- در آستانه تشکیل دولت دوازدهم ما هنرمندان موسیقی تقاضا داریم برای تصدی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فردی آگاه، شجاع و مدافع حقوق هنرمندان را که دلسوز فرهنگ و هنر ملی ایران باشد انتخاب نمائید.

۲- دولت باید پشتوانه محکمی برای مجوزهای صادره خود باشد و پس از صدور مجوز برای کنسرت‌ها یا هر برنامه دیگری تا پایان، پای کار بوده و از کیان و حرمت مجوزهای صادرشده دفاع کند.

۳- در صورت لغو هر برنامه مجوزدار دولت باید سازوکار جبران خسارت و پرداخت تمام‌وکمال غرامت‌ها را در نظر بگیرد تا از این پس هیچ هنرمندی متضرر رفتار غیرقانونی و اعمال سلیقه شخصی افراد نشود.

۴- دولت باید به‌طور شفاف و روشن پشت‌پرده گروه‌های فشار و عواملی را که موجب لغو کنسرت‌ها می‌شوند، اعلام و نسبت به محکوم‌کردن آنها در حمایت از هنرمندان اقدام کند.

عکس: مجید موثقی

گزارش اختصاصی «شرق» از جشنواره آوینیون فرانسه

شوروشوق خیابان‌ها و مردم

مجید موثقی
نویسنده و کارگردان

این روزها، تب‌وتاب هفتاد و یکمین جشنواره آوینیون بالا رفته و نزدیک به صدها نمایش، پرفورمنس، کنسرت و فیلم در بخش رسمی آن دیده می‌شود که مثل همیشه نامی از ایران به چشم نمی‌خورد. تنها نمایش ایرانی که برای اولین‌بار در بخش رسمی این رویداد هنری پذیرفته شد، نمایش «شنیدن» از «امیررضا کوهستانی» بود که در سال گذشته مثل همه کارهای دیگر جشنواره تماشاچیان از آن استقبال کردند.

امسال، «جشنواره آوینیون» با نمایش «آنتیگون» نوشته «سوفکلوس» و به کارگردانی«ساتوشی میاگی» (Satoshi Miyagi) از ژاپن، خیل تماشاچیان را به حیاط قصر معروف آوینیون که «کاخ پاپ» نیز نام دارد، کشانید. نمایشی که اگر نام آن، اثر دیگری از «سوفکلوس» یعنی «ادیب شهریار» هم بود، فرقی در اجرای آن نمی‌توانست داشته باشد. مخاطبان امروز تئاتر هر آنچه در جشنواره‌ها جلوی چشم‌هایشان قرار گیرد، تشویق می‌کنند. آنها فقط به نحوه به‌دست‌آوردن بلیت فکر می‌کنند و عده بسیاری از آنها به تئاتر می‌روند تا صورت روشنفکرزده خود را با سیلی سرخ نگه دارند. هر نمایشی که از لحاظ فرم، نور و موسیقی جالب باشد، از نظر آنها مقبول است. درحالی‌که محتوای این نمایش‌ها گاه از کشف جدیدی که مخاطب را به فکرکردن وا دارد خبر نمی‌دهد. کارگردانی متوسط این اجرا بیشتر در جهت هماهنگی گروه کر با موسیقی بود و تنها آهنگ‌ساز خوب آن با استفاده از سازهای کوبه‌ای و بادی ریتمی مناسب به این اجرا داده بود تا تماشاچی لحظاتی از شنیدن مسلسل‌وار واژه‌های ژاپنی فارغ شده و کمی هم با عناصر شنیداری و دیداری ارتباط برقرار کند.

این نمایش با توجه به تبلیغات زیاد جشنواره و استقبال تماشاچیان کار بسیار متوسطی بود. یکی از نمایش‌های دیگر این روزهای آوینیون که تماشای آن یک انرژی پنج‌ساعته را می‌طلبد، کاری به نام «پاریسی» از یک کارگردان شهیر و متفاوت به نام «اولیویر پی» (Olivier Py) است که سیاست‌های روز جامعه را از طریق جهان دگرباشان و روزمرگی‌های آنها روایت می‌کند. با توجه به ریتم و بازی‌های خوب نمایش، دلیل طولانی‌بودن آن مشخص نیست و در انتها بیشتر به یک تئاتر کاباره‌ای نزدیک شده تا یک اجرای منسجم و هجوم اطلاعات به همراه «فاصله‌گذاری‌های برشتی» اجرا را بدقواره کرده است.

کارگردان خودشیفته آلمانی، «فرانک کاستروف» (Franc Castrof) که چندی پیش با قهر از «تئاتر فولکس بونه برلین» خارج شده بود، امسال با یک کار جنجالی دیگر در جشنواره ظاهر شد؛ اقتباسی از یکی از آثار بولگاکف که حول زندگی مولیر، نمایش‌نامه‌نویس شهیر فرانسوی، می‌گردد که چون کارهای دیگر این کارگردان بیشتر تبدیل به صحنه فیلم‌برداری شده بود و چند فیلم‌بردار و صدابردار که از اطاقکی به آن اطاقک رفته و موقعیت‌های نمایشی را که گاه با بداهه‌پردازی نیز همراه است، فیلم‌برداری می‌کنند و واحد رژی دوربین‌ها را سوئیچ کرده و از پرده برای تماشاچیان نشان می‌دهند. یک کار کاملا فرمالیستی که نه تنها بهره‌ای از کارگردانی ندارد، بلکه شش ساعت طول کشیده و کارگردان زمان استراحت را بعد از سه ساعت اعلام می‌کند. باز اگر ریتم کار و داستان کشش خوبی داشت، مخاطب توان تحمل سه ساعت را داشت، اما بازیگران و تماشاچی همچون بردگانی در دست این کارگردان و صحنه‌ای گرد و یک کیلومتری بودند که ۱۵ کیلومتر از تمام رویدادهای اصلی جشنواره دور بود. تنها چیزی که در تجربه این کارگردان متمایز است، حضور دوربین در صحنه است. به قول کارگردان بزرگ آلمانی «تئاتر قرار نیست که ویدئو باشد» این استفاده از دوربین در صحنه تئاتر امسال در جشنواره آوینیون بسیار دیده می‌شود که از این لحاظ جشنواره و هیئت انتخاب آن سلیقه‌ای عمل کرده و با این انتخاب‌های فرم‌گریانه جشنواره را به یک رویداد شخصی برای خود تبدیل کرده‌اند که از این لحاظ می‌توان یک امتیاز منفی برای آن در نظر گرفت؛ آنچه جشنواره آوینیون را به یک رویداد دلنشین تبدیل می‌کند. اتفاقا کارهای بخش خارج از مسابقه اکثرا از توانایی بالای قصه‌پردازی و همچنین شور و نشاط مردمی برخوردار است که تئاتر را به خیابان و خانه‌هایشان آورده‌اند. معدل نمایش‌های بخش رسمی جشنواره آش دهن‌سوزی نبود که خوشبختانه این نمایش‌ها تنها ده درصد از اجراهای جشنواره را شامل می‌شدند. تا به امروز، شوروشوق خیابان‌ها و مردم از خود اجراهای نمایش‌ها بهتر بوده است. زندگی و شور و نشاط تئاتر در خیابان‌های این شهر و نمایش‌های خارج از مسابقه از یک‌سو و کارهای متوسط بخش رقابتی جشنواره که اکثرا طولانی و خسته‌کننده بود، از سویی دیگر کنتراست خوبی به این جشنواره داده است.

اجراهای هشت‌ساعته و گاه نمایش سریالی در پیش رو قرار دارد که مخاطب می‌تواند هر روز آنها را دنبال کند.

عکس: مهر

ناظری‌ها «آواز پارسی» سر دادند

اجرای ضحاک در تالار وزارت کشور

گروه هنر: چهارمین شب کنسرت «آواز پارسی» شهرام و حافظ ناظری، شب گذشته در تالار وزارت کشور برگزار شد. در این کنسرت، پدرام فریوسفی نوازنده ویلن، امین غفاری نوازنده ویولا، بابک غسالی نوازنده بربط، شیوا سروش هم‌خوانِ سوپرانو، مهگل صفدری هم‌خوانِ متسوسوپرانو، الهه حیدری هم‌خوانِ متسوسوپرانو، فرهاد صفری نوازنده پرکاشن، شهریار نظری نوازنده پرکاشن و محمدرضا جبار نوازنده کنترباس، شهرام و حافظ ناظری را همراهی کردند. این کنسرت روایت ناظری‌ها از شاهنامه حکیم توس فردوسی بود که البته در میانه این روایت، بخشی از پروژه «ناگفته» هم برای مخاطبان اجرا شد.

آغازگر کنسرت، حافظ ناظری بود که همراه گروه ارکستر، قطعه «به نام خداوند جان و خرد/ کزین برتر اندیشه بر نگذرد» را اجرا کرد و در ادامه، قطعه «چو ایران نباشد تن من مباد/ بدین بوم‌وبر زنده یک تن مباد» را خواند. بعد از اجرای حافظ ناظری، شهرام ناظری این‌بار با تشویق حاضران به سالن آمد و در ادامه با همراهی یک نوازنده ضرب زورخانه‌ای و همچنین سه‌تار پسرش حافظ، بداهه‌خوانی آواز پارسی را آغاز کرد. ناظری قبل از شروع این بخش گفت: از آنجا که این پروژه شاهنامه‌خوانی است، ترجیح دادیم یک بخش را به صورت نقالی اجرا کنیم. البته از نظر گفتمان باید یک نقال باشد؛ اما از لحاظ لحن و بیان کار خود من است. ناظری پدر بعد از اجرای بخش نقالی، درباره داستان فریدون و ضحاک گفت: «داستان ضحاک درواقع نبرد میان نور و ظلمت است. حکیم توس، شاهنامه را با این نگاه به رشته تحریر درآورده که جدال نور و ظلمت و پاکی و بلندی را بیان کند. راویان به ضحاک گفتند تنها کسی که می‌تواند تو را از بین ببرد، فریدون است. ضحاک همه را برای کشتن فریدون بسیج می‌کند».

در ادامه با همراهی حافظ ناظری، شروع به اجرای داستان ضحاک و فریدون کرد. اجرای قطعه «بازگشت جاودانه» از پروژه «ناگفته»، بخش دیگر این کنسرت بود. شهرام ناظری در توضیح اجرای این قطعه گفت: «به نظرمان آمد که ممکن است اجرای پشت‌سرهم آثار حماسی و شاهنامه‌خوانی از حوصله مخاطب خارج باشد؛ ازهمین‌رو تصمیم گرفتیم در این میان قطعه‌ای از «ناگفته» را هم بخوانیم تا تماشاگر خسته نشود». اجرای قطعه «آواز ضحاک» بخش دیگر کنسرت شب گذشته بود که به سرنگونی ضحاک می‌پرداخت. شهرام ناظری پیش از اجرای داستان ضحاک، گفت: «یکی از بزرگان مصر گفته است که ما به زبان عربی حرف می‌زنیم ولی اگر یک فردوسی داشتیم، شاید ما هم الان به زبان خودمان صحبت می‌کردیم. ما باید خدا را شکر گوییم برای اینکه فردوسی را در تاریخ کهن خود داریم و اگر نبود شاید ما هم‌اکنون به این زبان سخن نمی‌گفتیم». اجرای قطعه «عدم»، پایان‌بخش کنسرت شب «آواز پارسی» بود. آنها قبل از اجرای آخرین قطعه، از تمام کسانی که حضور داشتند و صبوری کردند، تشکر کردند و گفتند: «ما می‌توانستیم شرایط خیلی بهتری در کشورهای دیگر داشته باشیم؛ اما نرفتیم و ماندیم و تنها عشق شما مردم ایران مانع از این هجرت شد. از همه شماها که همیشه حامی هنرمندان خود هستید، سپاسگزاریم». پس از آن، «آب حیات عشق» را با هم‌آوازی یکدیگر به‌عنوان آخرین قطعه اجرا کردند و برنامه را به پایان رساندند.

رکوردشکنی در گالری گلستان

سومین جمعه ۱۰۰ اثر ۱۰۰ هنرمند از راه رسید

گروه هنر: بیست‌وپنجمین نمایشگاه صد اثر صد هنرمند گالری گلستان در حالی به سومین جمعه برپایی‌اش رسید که رکورد فروش سال گذشته‌اش را شکست. لیلی گلستان، مدیر گالری گلستان، می‌گوید: «در همان شب اول، به اندازه تمام نمایشگاه سال پیش فروختیم». او با ابراز خرسندی از روند این رویداد تابستانی گفت به‌شدت از نمایشگاه امسال راضی‌ام چون جوان‌ها خوب می‌فروشند و تقریبا ۷۰ درصد کل فروش به آنها اختصاص دارد». او با اعلام این خبر که تا این لحظه ۶۵ اثر به فروش رسیده، گفت: «تا این لحظه گران‌ترین اثر به‌فروش‌رسیده در این دوره به نقاشی‌ای از زنده‌یاد محمود جوادی‌پور تعلق دارد که ۳۰ میلیون تومان فروخته شد، در رتبه بعدی آثاری از اویسی، لاشایی و محمدعلی ترقی‌جاه قرار دارند که بین ۱۵ تا ۲۰ میلیون قیمت داشتند. این در حالی است که از جوان‌ها آثاری با قیمت ۳۵۰ هزار تومان به‌عنوان ارزان‌ترین آثار فروخته شده است». او افزود: «از نظر تعداد آثار به‌فروش‌رسیده از یک هنرمند تا این لحظه، شمس‌الدین غازی پیشتاز است. از او دو مجسمه و چهار نقاشی فروخته شده است». لیلی گلستان ضمن دعوت از مردم برای حضور در این نمایشگاه و حمایت از هنر و هنرمند ایرانی گفت: «بنا به رسم صد اثر صد هنرمند، هر اثری که فروخته شده کار دیگری جایگزینش شده، ازاین‌رو اکنون نمایشگاهی کاملا متفاوت نسبت به روز نخست روی دیوار گالری است که در آن کارهای خوب بسیاری با قیمت‌های مناسب ارائه شده است».

زیر آسمان فیروزه‌ای

امیر نادری بعد از سال‌ها با «کوه» آمد

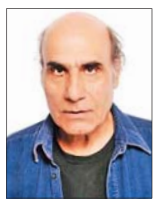

● **گروه هنر:** فیلم «کوه»، ساخته امیر نادری، از دهم مرداد در سالن‌های سینمای گروه «هنر و تجربه» اکران شده است. «کوه» به‌عنوان اولین فیلم ایتالیایی‌زبان امیر نادری، روایتگر ماجرای مردی است که با وجود تاریکی مطلقی که پیرامونش را فراگرفته، تقلا می‌کند که آفتاب را به روستای خود بازگرداند. در خلاصه داستان این فیلم آمده است: «در گذشته‌های دور، در دهکده‌ای نیمه متروک پای کوه، آگوستینو همراه همسرش نینا و پسرش جان زندگی می‌کند. آنها قربانی سختی‌های زندگی و درگیر جنگ دائمی با طبیعت می‌شوند». آندریا سارتورنی و کلودیا پوتنتزا بازیگران اصلی این فیلم سینماگر ایرانی هستند که تقریبا تمام صحنه‌های آن در کوه‌های منطقه تیرول جنوبی و در ارتفاع دوهزارو ۵۰۰ متری از سطح دریا فیلم‌برداری شد. همچنین بنابر گزارش سایت گروه «هنر و تجربه»، امیر نادری هم‌زمان با اکران فیلمش در ایران با دستخطی، نمایش فیلم «کوه» در ایران را به کامران شیردل، سینماگر شهیری که رفاقت و همراهی دیرینه‌ای با هم دارند و با فیلم سینمایی «صبح روز چهارم» و مستندهای درخشان «اون شب که بارون اومد»، «پیکان»، «بوم سیمین»، «تهران پایتخت ایران است» و... در تاریخ سینمای ایران ماندگار شده، احمدرضا احمدی، شاعر نوپرداز و برات پرتوی، مجسمه‌ساز و نقاش پیش‌کسوت تقدیم کرد.

همچنین کامران شیردل هنگامی که امیر نادری در جشنواره ونیز به‌خاطر فیلم «کوه» تقدیر شد، در گفت‌وگوی کوتاهی عنوان کرده بود: «من حتی اگر این جایزه به خودم رسیده بود، این‌قدر خوشحال نمی‌شدم که به امیر رسید. پس از تقدیر جشنواره فیلم ونیز، احساس می‌کنم که زحمات او به هدر نرفته و او سرمشق بسیار بزرگی است به‌عنوان کسی که از صفر شروع کرد و حالا این‌گونه در دنیا مطرح است».

او ادامه داد: «امیر نادری با اینکه فقط شش سال از من کوچک‌تر است، اما واقعا همچون پسرم می‌ماند، حتی من اسم پسرم را به‌خاطر او امیر گذاشتم».

امیر نادری، از کارگردانان تأثیرگذار و مهم موج نوی سینمای ایران است که در سال ۱۳۶۹ ایران را ترک کرد و تا امروز در ایالات متحده آمریکا زندگی می‌کند. نادری کارش را در سینما با عکاسی فیلم شروع کرد. او موفق شد در سال ۱۳۵۰ اولین فیلمش، «خداحافظ رفیق» را کارگردانی کند. دو فیلم «دونده» و «آب، باد، خاک» توجه منتقدان را به سمت نادری جلب کرد. یکی از فیلم‌هایی که نادری در غرب ساخته، «ماه» نام دارد که ۲۰ سال درباره این موضوع کار کرد.

نادری در «هفتادوسومین جشنواره بین‌المللی فیلم ونیز» به دلیل تلاش برای گسترش زبان سینما، جایزه افتخاری «ژرژ لوکولتر گلوری» را دریافت کرد؛ جایزه‌ای که از یک دهه قبل برای تقدیر از پیشگامان سینمایی به جشنواره ونیز اضافه شده است. قبل از امیر نادری، کارگردان‌هایی همچون عباس کیارستمی، آنیس واردا، سیلوستر استالونه و آل‌پاچینو موفق به کسب این جایزه شدند.

کنسرت «حامد زمانی» هم در مشهد لغو شد

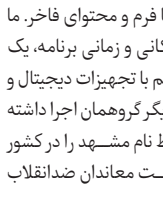

● **گروه هنر:** از اجرای «حامد زمانی» در جشن امام رضا (ع) در شهر مشهد، جلوگیری شد. روابط‌عمومی این برنامه اعلام کرد: «یک روز پس از گردهمایی و صدور بیانیه‌ای توسط اهالی موسیقی در اعتراض به لغو کنسرت‌ها و انتشار نامه‌ای خطاب به رئیس‌جمهور، شامگاه ۱۲ مرداد از اجرای حامد زمانی در جشن امام رضا (ع) در مشهد ممانعت به عمل آمد». دراین‌باره حامد زمانی هم گفت: «این اتفاق با وجود همه هماهنگی‌ها و تلاش شبانه‌روزی تیم ما برای اجرای این برنامه درخور شأن مردم مشهد و امام رضا(ع) اتفاق افتاده است». او تأکید کرد: «پس از این تصمیم و ابلاغ آن به ما، بدون عذرخواهی و هیچ توضیحی، راهی تهران شدیم و متأسفانه این رویه در چنین روزی بسیار ناراحت‌کننده بود». زمانی درباره دلایل لغو این برنامه گفت: «ابتدا به‌دلیل محدودیت حضور ساز روی صحنه، طبق قرار اولیه قرار بود با سه کیبورد و لپ‌تاپ روی صحنه برویم. ساعاتی پیش از اجرا از ما خواسته شد فقط با یک کیبورد روی صحنه برویم؛ اما با توجه به تمرین‌ها و تنظیم آثار، شرایط جوری بود که اجرا برای ما با یک کیبورد غیرممکن بود. حتی اعضای گروه من به احترام نام امام رضا (ع) حاضر بودند، در اتاقک‌هایی که کسی دید نداشت، ساز بزنند تا اجرا برگزار شود، ولی متأسفانه موافقت نشد و همان‌جا بود که من احساس کردم، شیطنت‌هایی برای اجرانشدن این برنامه وجود دارد». زمانی تصریح کرد: «من هیچ لغو کنسرتی را تأیید نمی‌کنم، مخصوصا موسیقی‌هایی با فرم و محتوای فاخر. ما برای حفظ شأن و حرمت مکانی و زمانی برنامه، یک هفته تمرین کردیم تا بتوانیم با تجهیزات دیجیتال و چند کیبورد، بدون سازهای دیگر گروهمان اجرا داشته باشیم، ولی این رفتارها فقط نام مشهد را در کشور خراب می‌کند و بهانه به دست معاندان ضدانقلاب خارج از کشور می‌دهد».